

بسم الله الرحمن الرحيم

همه سوال های

دکترای تخصصی (Ph.D)

(فقه و حقوق)

(جلد ۳)

۱۳۹۶-۱۳۹۸

تالیف و تدوین

گروه مولفین پردازش

سرشناسه	: گروه مولفین پردازش
عنوان و پدیدآور	: همه سوال‌های دکترای تخصصی فقه و حقوق (جلد ۳) ۱۳۹۸-۱۳۹۶
مشخصات نشر	: تالیف و تدوین: گروه مولفین پردازش
مشخصات ظاهری	: تهران: پردازش، ۱۴۰۳
شابک	: ۱۸۶ص
وضعیت فهرست‌نویسی	: ۹۷۸-۶۰۰-۲۳۳-۹۲۸-۷
موضوع	: فیپا
موضوع	: دانشگاه‌ها و مدارس عالی -- ایران -- آزمون‌ها
موضوع	: فقه و مبانی حقوق -- آزمون‌ها و تمرین‌ها (عالی)
موضوع	: آزمون دوره‌های تحصیلات تکمیلی -- ایران
رده‌بندی کنگره	: ۱۴۰۳ ۳۵۳۳۶/م ۳۵۳/ LB۲۳۵۳
رده‌بندی دیویی	: ۳۷۸/۱۶۶۴
شماره کتابخانه ملی	: ۷۵۶۷۸۷

حق چاپ محفوظ و متعلق به ناشر است.

همه سوال‌های دکترای تخصصی فقه و حقوق (جلد ۳) ۱۳۹۸-۱۳۹۶

تالیف و تدوین	: گروه مولفین پردازش
ناشر	: پردازش
چاپ اول	: ۱۴۰۳
تیراژ	: ۱۰۰
حروفچینی	: پردازش
لیتوگرافی	: پردازش
چاپ و صحافی	: پردازش
قیمت	: ۴۵۰۰۰۰ تومان

نشر پردازش

تهران: میدان انقلاب، خیابان فروردین، خیابان شهدای ژاندارمری، روبه‌روی اداره پست، پلاک ۱۳۲ و ۱۳۰ ساختمان پردازش

تلفن: ۶۶۹۷۵۵۶۶ (۱۰۰ خط) دورنگار: ۶۶۴۰۷۴۰۸

www.Pardazesh.org

سایت برتر کشور در چهارمین و پنجمین همایش ملی تجارت الکترونیک

فهرست مطالب

پیش گفتار.....	۵
آزمون دکترای الهیات - فقه و مبانی حقوق اسلامی ۱۳۹۶	
فقه.....	۷
پاسخ نامه فقه.....	۱۰
اصول.....	۳۷
پاسخ نامه اصول.....	۴۰
آزمون دکترای الهیات - فقه و مبانی حقوق اسلامی ۱۳۹۷	
فقه.....	۶۷
پاسخ نامه فقه.....	۷۰
اصول.....	۹۷
پاسخ نامه اصول.....	۱۰۰
آزمون دکترای الهیات - فقه و مبانی حقوق اسلامی ۱۳۹۸	
فقه.....	۱۲۶
پاسخ نامه فقه.....	۱۳۰
اصول.....	۱۵۶
پاسخ نامه اصول.....	۱۵۹
منابع.....	۱۸۷

آزمون دکترای الهیات – فقه و مبانی حقوق اسلامی ۱۳۹۶

فقه



۱. ان جهل الحاكم عدالة البيئة و فسقها،
 (۱) طلب من المدعى أن يزيكها.
 (۲) يقبل البيئة لأصالة الصحة.
 (۳) يطلب من المدعى عليه إثبات فسقها.
 (۴) يقبل البيئة لأصالة عدم الفسق.
۲. يجوز شهادة النساء في
 (۱) جميع المعاملات.
 (۲) كسر العظام و لو عن عمد.
 (۳) كل جناية إلا إذا كانت عن عمد.
 (۴) إثبات الطلاق و سائر الإيقاعات.
۳. کدام عبارت صحیح است؟
 (۱) لا يصح الوقف بدون القبض.
 (۲) لا يلزم الوقف بدون القبض.
 (۳) لا يصح الوقف بدون القبض الا اذا كان في جهة عامة.
 (۴) لا يلزم الوقف بدون القبض إلا اذا كان في جهة عامة.
۴. فی أي مورد يجوز رجوع الواهب؟
 (۱) لو مات المتهب.
 (۲) لو تصرف المتهب بالنقل لا بالاتلاف.
 (۳) لو تصرف المتهب مطلقاً.
 (۴) لا يجوز الرجوع في جميع الموارد.
۵. ما هو الحكم ببيع السلاح من أعداء الدين؟
 (۱) يحرم مطلقاً.
 (۲) يحرم بيعه من الكافر.
 (۳) يحرم في حال الحرب أو التهيؤ له.
 (۴) يحرم اذا كان المشتري كافراً و كان البيع في حال الحرب أو التهيؤ له.
۶. از عبارت: «الدرهم و الدنانير يتعينان بالتعيين عندنا في الصرف و غيره» چه نکته‌ای فهمیده می‌شود؟
 (۱) جواز وقوع بيع بر درهم و دينار معين.
 (۲) جواز تعيين مصداق درهم و دينار کلی توسط بايع.
 (۳) وجوب اخذ درهم و ديناری كه به عنوان مصداق ثمن يا مئمن کلی تعيين می‌شود.
 (۴) جواز تعيين مصداق درهم و دينار کلی فروخته شده توسط مشتري.
۷. ما هو مقتضى القاعدة الاولى لو اختلفا في قدر الثمن؟
 (۱) حلف المشتري لو بقيت العين.
 (۲) حلف البائع لأصالة عدم البيع بالأقل.
 (۳) حلف المشتري لو تلفت العين.
 (۴) حلف المشتري لأصالة عدم الضمان.
۸. تبطل إجارة العين الموقوفة
 (۱) مطلقاً لتعلق حق الموقوف عليه بها.
 (۲) لو كان الموجر الناظر ثم مات قبل انقضاء المدة.
 (۳) لو كان الموجر الموقوف عليه ثم مات قبل انقضاء المدة.
 (۴) لو كان الموجر الناظر ثم مات قبل انقضاء المدة أركان الموجر الموقوف عليه.
۹. هل يجوز تقبيل الموجر العمل لغيره بأقل مما تقبله به؟
 (۱) يجوز لو حدث شيئاً.
 (۲) يجوز مطلقاً لأصالة الجواز.
 (۳) لا يجوز مطلقاً لأصالة عدم صحة العقد.
 (۴) لا يجوز مطلقاً للرواية و إن اقتضى الأصل الجواز.



۱۰. المقروض القیمیّ یثبت فی الذمة قیمته
- (۱) يوم العقد (۲) يوم الرد (۳) يوم القبض (۴) يوم التصرف
۱۱. اگر شریک حصه خود را از حیوان بفروشد، در این حالت کدام مطلب صحیح است؟
- (۱) حق شفعه پس از پایان مدت خيار ثابت می‌شود.
(۲) بلافاصله پس از عقد حق شفعه ثابت می‌شود و خيار حیوان باطل می‌گردد.
(۳) در صورتی که خيار به جعل متعاقدين قرار داده شود، حق شفعه ثابت نمی‌باشد.
(۴) بلافاصله پس از عقد حق شفعه ثابت می‌شود و در صورت اعمال خيار حق شفعه باطل می‌گردد.
۱۲. لو دخل بها قبل إكمالها تسع سنين،
- (۱) تحرم عليه مؤبداً.
(۲) تحرم عليه مؤبداً لو أفضاها.
(۳) تحرم عليه مؤبداً لو أفضاها و تخرج من حبالته.
(۴) یکره کراهة شديدة و یوجب حرمة الوطی أبداً و لا تخرج من حبالته.
۱۳. لو طلق ذو النصاب احدي زوجاته صغيرة،
- (۱) یجوز له نکاح الخامسة.
(۲) تحرم عليه الخامسة مادامت فی العدة و یجوز له الرجوع إليها.
(۳) یجوز له نکاح الخامسة و لا یجوز لها النکاح مادامت فی العدة.
(۴) تحرم عليه الخامسة مادامت فی العدة و لا یجوز له الرجوع إليها
۱۴. هل یجوز اللعان فی المتمتع بها؟
- (۱) لا یجوز مطلقاً.
(۲) یجوز مطلقاً.
(۳) یجوز فی نفی الوالد.
(۴) یجوز فی القذف بالزنا.
۱۵. لو وهبته نصف مهرها معینا ثم طلقها قبل الدخول،
- (۱) فله الباقي.
(۲) فله نصف الباقي.
(۳) فلا شیء له زائداً علی الموهوب.
(۴) فله نصف الباقي و نصف بدل الموهوب.
۱۶. مراد از روایت امام باقر (علیه السلام): «المخيرة تبين من ساعتها من غير طلاق» چیست؟
- (۱) جواز اجرای صیغه طلاق توسط زوجه در جایی که وکیل در طلاق باشد.
(۲) حصول بینونت و فراق به سبب اختیار زوجه در جایی که سبب آن غیر طلاق باشد.
(۳) وقوع فراق بدون طلاق لفظی اگر زوجه او را مخیر بین طلاق و بقا کند و زن جدایی را اختیار نماید.
(۴) وقوع طلاق بدون صیغه مخصوص در مواردی که زوج به قصد طلاق زوجه را مخیر بین ماندن و رفتن نماید.
۱۷. ما هو الطلاق السني بالمعنى الأخص؟
- (۱) أن يطلق ثم یراجع و یطأها.
(۲) أن یكون الطلاق مع جميع الشرائط.
(۳) أن يطلق ثم یعقدها بعد تمام العدة.
(۴) أن يطلق ثم یراجع و لا یطؤها ثم یطلقها.
۱۸. لو ردّ الوصية بعد الوفاة بطلت
- (۱) و لو بعد القبول.
(۲) و لو بعد القبول لو لم یقبض.
(۳) اذا كان قبل القبول.
(۴) اذا كان قبل القبول و القبض.
۱۹. کدام مطلب در مورد وصیت برای حمل صحیح است؟
- (۱) تبطل.
(۲) تصحّ لو كان الحمل موجوداً حين الوصية.
(۳) تصحّ و لو وجد الحمل بعد الوصية قبل وفاة الموصی.
(۴) تصحّ و لو وجد الحمل بعد الوصية بشرط الولادة قبل وفاة الموصی.

٢٠. الأيدي المتعاقبة على المغصوب أيدي ضمان و يستقر الضمان
- (١) على الغاصب.
(٢) على اليد الأخيرة.
(٣) على من تلف المال بيده.
(٤) على من رجع اليه المغصوب منه.
٢١. ما هو الصحيح في الاقرار بغير العربية؟
- (١) يجوز لو لم يقدر بالعربية و لو بالتوكيل.
(٢) يجوز مطلقاً لكفاية التعبير عما في الضمير.
(٣) يجوز مطلقاً لجواز اجراء العقد الجائز بغير العربية.
(٤) لايجوز مطلقاً لأنه ايقاع لازم.
٢٢. لو اجتمع الجدة للاب و اخت للابوين و الجدة و الجد للام و اخت للام،
- (١) فللاخت للام السدس.
(٢) فللاخت للابوين النصف.
(٣) فللاخت للابوين و الجدة للاب ثلثان بالسوية.
(٤) فللجد و الجدة للام و الاخت للام الثلث بالتفاضل.
٢٣. لو اجتمع الزوج مع الاختين للاب و اخوة للام يدخل النقص على
- (١) الاختين للاب.
(٢) الاخوة للام.
(٣) الاختين للاب و الاخوة للام.
(٤) على الجميع.
٢٤. لو طلقها رجعية ثم زنى أو زنت،
- (١) لايرجمان لاشتراط الاحصان بعدم الطلاق.
(٢) لايرجم الزوج لعدم احصانه و ترجم الزوجة.
(٣) يرجم الزوج و كذا الزوجة لثبوت الاحصان.
(٤) لايرجمان لاشتراط الاحصان بعدم الطلاق الرجعي.
٢٥. لو أقر الزاني بما يوجب الحد ثم أنكر،
- (١) سقط الرجم و غيره.
(٢) سقط الرجم لغيره.
(٣) لايسقط الحد لثبوت سببه.
(٤) سقط الحد إلا إذا كان رجماً.
٢٦. با توجه به عبارت: «إذا لم يقصد القتل بالنادر فلا قود و ان اتفق الموت كالضرب بالعود الخفيفة في غير مقتل بغير قصد القتل»، کدام مطلب صحيح است؟
- (١) قيد «النادر» به نوع آلت يا ضربه اشاره می کند.
(٢) قيد «في غيرمقتل» تاکیدی است و در اثبات یا انتقای قود نقشی ندارد.
(٣) در فرض مذکور قتل غیرعمد محسوب می شود؛ چون قصد قتل منتفی است.
(٤) مقصود از عبارت: «في غيرمقتل» این است که ضربه در زمانی زده شود که قتل در آن زمان اتفاق نمی افتد.
٢٧. متى يساوى دية المرأة لدية الرجل؟
- (١) لو قطع يدا امرأة.
(٢) لو قطع اذن واحدة من امرأة.
(٣) لو قطع عضو غير مزدوج من اعضاء امرأة.
(٤) لو قطع اصبعان من امرأة.
٢٨. لو اشتراك ثلاثة في قتل امرأة و اختار الولي قصاص الجميع يردّ الى كلّ منهم
- (١) ربع دية كاملة.
(٢) ثلث دية كاملة.
(٣) سدس دية كاملة.
(٤) خمسة أسداس دية كاملة.
٢٩. دية شعر اللحية
- (١) كاملة.
(٢) نصف الدية.
(٣) خمس الدية.
(٤) لايشبت الدية بل الأرض.
٣٠. من الذي لا يكون عاقلة؟
- (١) غير البالغ
(٢) الابوان و الفقير
(٣) من لايرث بالفعل
(٤) الصبي و من لايرث بالفعل



۱. گزینه ۱)

تحلیل گزینه صحیح:

در صورتی که حاکم به عدالت یا فسق شاهی که در دادگاه شهادت می‌دهد، آگاهی نداشته باشد، مطابق نظر اکثر فقها، وظیفه حاکم این است که از مدعی بخواهد تا عدالت شاهد را ثابت کند. یعنی مدعی باید دلایلی بیاورد که نشان دهد شاهد مورد نظر، فردی عادل و قابل اعتماد است.

دلیل انتخاب گزینه صحیح:

- اصل عدم عدالت: در فقه اسلامی، اصل بر عدم عدالت شاهد است، مگر اینکه برعکس آن ثابت شود. بنابراین، بار اثبات عدالت شاهد بر عهده مدعی است.
- حفظ حقوق طرفین: با درخواست اثبات عدالت شاهد از مدعی، حقوق طرفین دعوا به طور کامل رعایت می‌شود و از پذیرش شهادتی که احتمال دارد از سوی فرد فاسقی ارائه شده باشد، جلوگیری می‌شود.
- تقویت نظام قضایی: این رویه به تقویت نظام قضایی کمک می‌کند و از صدور احکام نادرست بر اساس شهادت افراد فاسق جلوگیری می‌کند.

دلایل نادرست بودن سایر گزینه‌ها:

- گزینه ۲ (يقبل البينة لأصالة الصحة): این گزینه بیان می‌کند که حاکم باید به طور خودکار شهادت را بپذیرد، زیرا اصل بر صحت شهادت است. این نظر با اصل عدم عدالت شاهد در تضاد است.
- گزینه ۳ (يطلب من المدعى عليه إثبات فسقها): این گزینه بیان می‌کند که بار اثبات فساد شاهد بر عهده مدعی علیه است. این نظر نیز با اصل عدم عدالت شاهد در تضاد است، زیرا ابتدا باید عدالت شاهد ثابت شود تا شهادت او قابل پذیرش باشد.
- گزینه ۴ (يقبل البينة لأصالة عدم الفسق): این گزینه بیان می‌کند که حاکم باید به طور خودکار شهادت را بپذیرد، زیرا اصل بر عدم فساد شاهد است. این نظر با اصل عدم عدالت شاهد در تضاد است.

نقد و بررسی گزینه صحیح:

نظر مبنی بر اینکه حاکم باید از مدعی بخواهد تا عدالت شاهد را ثابت کند، نظر غالب در فقه اسلامی است و بر اساس اصول کلی عدالت و دادگری استوار است. با این حال، در برخی موارد خاص و با توجه به شرایط موجود، ممکن است قاضی بتواند با استفاده از قرائن و شواهد دیگر، به عدالت شاهد پی ببرد و نیازی به اثبات رسمی آن نباشد.

نکات کلیدی و اطلاعات تکمیلی فوق تخصصی:

- عدالت شاهد: به معنای امانتداری، راستگویی و عدم وجود عیب‌هایی است که بر شهادت او تاثیر بگذارد.
- فساد شاهد: به معنای وجود عیب‌هایی در شاهد است که باعث می‌شود شهادت او قابل اعتماد نباشد.
- اصل عدم عدالت: این اصل بیان می‌کند که تا زمانی که عدالت شاهد ثابت نشود، نمی‌توان به شهادت او اعتماد کرد.
- اثبات عدالت: عدالت شاهد می‌تواند از طریق شهادت افراد موثق، اسناد معتبر و یا سایر قرائن و شواهد ثابت شود.

اطلاعات تکمیلی فوق تخصصی:

- مباحث مربوط به شهادت: شهادت یکی از ادله اثبات دعوی در فقه اسلامی است و شرایط و احکام خاصی دارد.
- شرایط قبول شهادت: برای قبول شهادت، شاهد باید عادل و عاقل باشد و به آنچه شهادت می‌دهد، علم داشته باشد.
- انواع شهادت: شهادت به انواع مختلفی مانند شهادت بر حق، شهادت بر باطل، شهادت بر قول و شهادت بر فعل تقسیم می‌شود.
- مناقشات درباره شهادت: فقها در مورد شرایط قبول شهادت، میزان اعتبار شهادت و ... اختلاف نظر داشته‌اند.

نتیجه‌گیری:

در صورتی که حاکم به عدالت یا فساد شاهی که در دادگاه شهادت می‌دهد، آگاهی نداشته باشد، وظیفه حاکم این است که از مدعی بخواهد تا عدالت شاهد را ثابت کند. این رویه تضمین‌کننده عدالت و انصاف در رسیدگی به دعاوی است.



۲. گزینه (۲)

پاسخ کامل و جامع به گزینه صحیح

شهادة النساء فی کسر العظام و لو عن عمد: این عبارت به معنای آن است که شهادت زنان در مورد شکستگی استخوان، حتی اگر عمدی باشد، پذیرفته است. در فقه اسلامی، شهادت زنان در برخی موارد محدود شده است، اما در مورد جراحتهایی مانند شکستگی استخوان، به دلیل ماهیت عینی و ملموس این جراحت، شهادت زنان پذیرفته شده است. این قاعده فقهی بر اساس دلایلی از جمله قرائن و اجماع فقهاء استوار شده است.

دلیل انتخاب گزینه صحیح

- **ماهیت عینی و ملموس جراحت:** شکستگی استخوان یک جراحت عینی و قابل مشاهده است که با معاینه پزشکی قابل اثبات است. به همین دلیل، شهادت زنان در این مورد از اهمیت بیشتری برخوردار است و به راحتی قابل بررسی و تأیید است.
- **قرائن و اجماع فقهاء:** در فقه اسلامی، قرائن و اجماع فقهاء از دلایل مهم در استنباط احکام شرعی هستند. در مورد شهادت زنان در جراحتهای عینی، قرائن و اجماع فقهاء بر پذیرش شهادت زنان دلالت دارد.
- **سیره عملی:** در سیره عملی فقهاء و قضات، شهادت زنان در موارد مشابه به کرات پذیرفته شده است و این امر نیز بر اعتبار این قاعده فقهی می افزاید.

نقد و بررسی گزینه صحیح

گرچه شهادت زنان در مورد شکستگی استخوان به طور کلی پذیرفته شده است، اما ممکن است در برخی موارد خاص و با توجه به شرایط فردی و اجتماعی، احتیاط بیشتری به عمل آید. همچنین، در برخی مذاهب اسلامی، ممکن است تفاوت هایی جزئی در مورد شرایط و محدودیت های شهادت زنان وجود داشته باشد.

دلایل نادرست بودن گزینه های دیگر

- **گزینه (۱) جمیع المعاملات:** شهادت زنان در همه معاملات پذیرفته نیست. در برخی معاملات، به دلیل حساسیت موضوع یا وجود احتمال تقلب، شهادت مردان ترجیح داده می شود.
- **گزینه (۳) کل جنایة إلا إذا كانت عن عمد:** این گزینه بیان می کند که شهادت زنان در همه جنایات به جز جنایات عمدی پذیرفته است. اما این عبارت کلی و مطلق است و با قواعد فقهی در مورد شهادت زنان سازگار نیست.
- **گزینه (۴) إثبات الطلاق و سائر الإيقاعات:** شهادت زنان برای اثبات طلاق و سایر ایقاعات به تنهایی پذیرفته نیست و معمولاً نیاز به وجود شاهد مرد نیز هست.

نکات کلیدی و اطلاعات تکمیلی فوق تخصصی فقهی

- **شرایط شهادت:** برای پذیرش شهادت زنان، علاوه بر موضوع شهادت (مانند شکستگی استخوان)، شرایط دیگری نیز باید رعایت شود. از جمله این شرایط می توان به عدالت، بلوغ، عقل و عدم محجوریت شاهد اشاره کرد.
- **تفاوت بین شهادت در جراحت و شهادت در سایر موارد:** شهادت در مورد جراحتهای عینی به دلیل ماهیت ملموس و قابل مشاهده آنها، با شهادت در سایر موارد (مانند شهادت در مورد مالکیت یا وقوع یک حادثه) تفاوت دارد.
- **تأثیر فرهنگ و عرف بر شهادت زنان:** فرهنگ و عرف اجتماعی نیز بر پذیرش یا عدم پذیرش شهادت زنان تأثیرگذار است. در برخی جوامع، به دلیل سنت ها و باورهای رایج، شهادت زنان کمتر مورد توجه قرار می گیرد.
- **توسعه قواعد فقهی در مورد شهادت زنان:** با گذشت زمان و تغییر شرایط اجتماعی، قواعد فقهی در مورد شهادت زنان نیز دستخوش تحول شده است و فقهاء در دوره های مختلف، فتاوی متفاوتی در این زمینه ارائه داده اند.

نتیجه گیری:

شهادة النساء فی کسر العظام و لو عن عمد، یک قاعده فقهی است که بر اساس دلایل عقلی، نقلی و سیره عملی استوار شده است. این قاعده نشان می دهد که فقه اسلامی در برخورد با مسائل اجتماعی و حقوقی، به دنبال عدالت و انصاف بوده و به شرایط و موقعیت های مختلف توجه کرده است.



۳. گزینه ۲)

پاسخ کامل و جامع به گزینه صحیح

عبارت "لا يلزم الوقف بدون القبض" به این معناست که وقف کردن اموال بدون قبض (تسلط یافتن واقف بر مال موقوفه) لازم نیست. به عبارت دیگر، واقف می‌تواند بدون اینکه قبض فیزیکی از مال موقوفه داشته باشد، آن را وقف کند. این قاعده فقهی نشان می‌دهد که وقف، یک عمل حقوقی است که با قصد وقف تحقق می‌یابد و لزوماً به قبض فیزیکی نیاز ندارد.

دلیل انتخاب گزینه صحیح

- **تعریف وقف:** وقف در لغت به معنای حبس است و در اصطلاح فقهی به معنای تخصیص مال برای منفعت دائمی است. این تعریف نشان می‌دهد که وقف یک عمل حقوقی است که با قصد وقف صورت می‌گیرد و لزوماً به قبض فیزیکی نیاز ندارد.
- **قصد وقف:** قصد واقف در وقف، اصلی‌ترین رکن این عمل حقوقی است. وقتی واقف با نیت خالص و دائمی، مالی را وقف می‌کند، وقف تحقق می‌یابد، حتی اگر قبض فیزیکی از مال موقوفه نداشته باشد.
- **قبض در وقف:** قبض در وقف، اگرچه مطلوب و مستحب است، اما شرط صحت وقف نیست. قبض می‌تواند بعد از وقف نیز صورت گیرد و تأثیری در صحت وقف ندارد.

نقد و بررسی گزینه صحیح

گرچه گزینه ۲ صحیح است، اما باید توجه داشت که در برخی موارد، قبض می‌تواند بر برخی از احکام وقف تأثیرگذار باشد. مثلاً در مواردی که وقف بر جهتی خاص مانند مسجد یا مدرسه باشد، قبض می‌تواند بر نحوه اداره و بهره‌برداری از مال موقوفه مؤثر باشد.

دلایل نادرست بودن گزینه‌های دیگر

- **گزینه ۱) لایصح الوقف بدون القبض:** این گزینه بیان می‌کند که وقف بدون قبض صحیح نیست، که با قاعده کلی وقف در تضاد است.
- **گزینه ۳) لایصح الوقف بدون القبض الا اذا كان في جهة عامة:** این گزینه بیان می‌کند که وقف بدون قبض تنها در صورتی صحیح است که وقف بر جهتی عمومی مانند مسجد باشد، که این محدودیت با قاعده کلی وقف سازگار نیست.
- **گزینه ۴) لا يلزم الوقف بدون القبض إلا اذا كان في جهة عامة:** این گزینه بیان می‌کند که قبض در وقف تنها در صورتی لازم نیست که وقف بر جهتی عمومی باشد، که این نیز با قاعده کلی وقف سازگار نیست.

نکات کلیدی و اطلاعات تکمیلی فوق تخصصی فقهی

- **اقسام وقف:** وقف به اقسام مختلفی مانند وقف عام، وقف خاص، وقف بر اولاد، وقف بر موقوف علیه و... تقسیم می‌شود.
- **شرایط صحت وقف:** برای صحت وقف، علاوه بر قصد وقف، شرایط دیگری نیز باید رعایت شود، از جمله اینکه مال موقوفه مالکیت کامل واقف باشد و وقف بر جهتی مشروع باشد.
- **احکام وقف:** وقف دارای احکام و آثار حقوقی خاصی است که در فقه اسلامی به تفصیل مورد بحث قرار گرفته است. از جمله این احکام می‌توان به عدم امکان رجوع واقف از وقف، عدم امکان فروش مال موقوفه و... اشاره کرد.
- **نقش وقف در جامعه:** وقف از جمله مهم‌ترین نهادهای اقتصادی و اجتماعی در جوامع اسلامی بوده است و نقش مهمی در توسعه و آبادانی جوامع داشته است.

نتیجه‌گیری:

قاعده "لا يلزم الوقف بدون القبض" یکی از اصول مهم در فقه وقف است و نشان می‌دهد که وقف، یک عمل حقوقی است که با قصد واقف تحقق می‌یابد و لزوماً به قبض فیزیکی نیاز ندارد. این قاعده، ضمن تأکید بر اهمیت قصد واقف، به انعطاف‌پذیری و پویایی فقه اسلامی در مواجهه با مسائل حقوقی و اجتماعی اشاره دارد.

۴. گزینه ۴)

مفهوم رجوع در وقف:

رجوع در وقف به معنای بازپس‌گیری مال موقوفه توسط واقف پس از وقف است. این عمل در فقه اسلامی به دلیل ماهیت دائمی و پایدار وقف، به طور کلی ممنوع است.



دلیل منع رجوع در وقف:

- ماهیت وقف: وقف یک عمل حقوقی است که با قصد دائمی وقف کردن مال برای منفعت دیگران انجام می‌شود. با وقف، مالکیت مال از واقف ساقط شده و به وقف منتقل می‌شود.
- حفظ حقوق موقوف‌علیه: رجوع واقف در وقف، حقوق موقوف‌علیه را که به این مال امیدوار شده‌اند، تضییع می‌کند.
- ثبات و اطمینان در معاملات: منع رجوع در وقف، موجب ثبات و اطمینان در معاملات می‌شود و از بروز اختلافات و منازعات جلوگیری می‌کند.

دلایل نادرست بودن گزینه‌های دیگر

- گزینه (۱) لو مات المتهب: اگر موقوف‌علیه فوت کند، وقف همچنان پابرجاست و واقف نمی‌تواند در وقف خود رجوع کند. وقف برای منفعت دائمی و مستمر است، حتی اگر موقوف‌علیه فوت کند، می‌تواند به نفع سایر مستحقین ادامه یابد.
- گزینه (۲) لو تصرف المتهب مطلقاً: اگر موقوف‌علیه در مال موقوفه تصرفاتی کند، این امر به معنای بطلان وقف نیست و واقف نمی‌تواند به این دلیل در وقف خود رجوع کند.
- گزینه (۳) لو تصرف المتهب بالنقل لا بالتلاف: اگر موقوف‌علیه در مال موقوفه تصرفاتی مانند نقل و انتقال انجام دهد، نه اینکه آن را تلف کند، باز هم وقف صحیح است و واقف نمی‌تواند رجوع کند.

نقد و بررسی گزینه صحیح

با توجه به دلایل ذکر شده، گزینه (۴) به عنوان پاسخ صحیح، بیانگر قاعده کلی و اساسی در فقه وقف است. اما در برخی موارد خاص و استثنایی، فقهاء ممکن است نظر به شرایط و اوضاع و احوال، احکامی متفاوت بیان کنند. برای مثال، اگر واقف در هنگام وقف دچار اشتباه فاحش شده باشد یا اگر وقف با شرایط خاصی همراه باشد، ممکن است در برخی موارد محدود، امکان رجوع برای واقف قائل شوند.

نکات کلیدی و اطلاعات تکمیلی فوق تخصصی فقهی

- اقسام وقف: وقف به اقسام مختلفی مانند وقف عام، وقف خاص، وقف بر اولاد، وقف بر موقوف‌علیه و... تقسیم می‌شود.
- شرایط صحت وقف: برای صحت وقف، علاوه بر قصد وقف، شرایط دیگری نیز باید رعایت شود، از جمله اینکه مال موقوفه مالکیت کامل واقف باشد و وقف بر جهتی مشروع باشد.
- احکام وقف: وقف دارای احکام و آثار حقوقی خاصی است که در فقه اسلامی به تفصیل مورد بحث قرار گرفته است. از جمله این احکام می‌توان به عدم امکان رجوع واقف از وقف، عدم امکان فروش مال موقوفه و... اشاره کرد.
- استثنائات در منع رجوع: در برخی موارد استثنایی و با توجه به شرایط خاص، ممکن است امکان رجوع برای واقف قائل شد.

نتیجه‌گیری:

منع رجوع در وقف یکی از اصول مهم در فقه وقف است و نشان می‌دهد که وقف، یک عمل حقوقی است که با قصد دائمی وقف کردن مال برای منفعت دیگران انجام می‌شود. این قاعده، ضمن تأکید بر ثبات و اطمینان در معاملات، از حقوق موقوف‌علیه نیز محافظت می‌کند.

۵. گزینه (۳)

پاسخ کامل و جامع به گزینه صحیح

حکم فروش سلاح به دشمنان دین:

فروش سلاح به دشمنان دین در شرایط خاصی حرام است و آن زمانی است که جنگ یا آمادگی برای جنگ وجود داشته باشد. دلیل این حکم، کمک به دشمن و تقویت قدرت آنان در مقابل مسلمانان است که با اصول اسلامی در تضاد است.

دلیل انتخاب گزینه صحیح

- مصلحت مسلمانان: اسلام بر حفظ امنیت و مصالح مسلمانان تأکید دارد. فروش سلاح به دشمنان دین در شرایط جنگ یا آمادگی برای جنگ، به تقویت دشمن و تضعیف مسلمانان منجر می‌شود که با این مصلحت در تضاد است.
- کمک به دشمن: فروش سلاح به دشمنان دین، به نوعی کمک به آن‌ها در جنگ علیه مسلمانان تلقی می‌شود که حرام است.
- تقویت کفر: فروش سلاح به دشمنان دین، به تقویت کفر و ضربه زدن به اسلام کمک می‌کند که با اصول اسلامی در تضاد است.



نقد و بررسی گزینه صحیح

با توجه به دلایل ذکر شده، گزینه ۳ به عنوان پاسخ صحیح، بیانگر قاعده کلی و اساسی در فقه اسلامی است. اما در برخی موارد خاص و استثنایی، فقهاء ممکن است نظر به شرایط و اوضاع و احوال، احکامی متفاوت بیان کنند. برای مثال، اگر فروش سلاح به دشمنان دین با هدف جاسوسی و نفوذ در صفوف دشمن انجام شود، ممکن است برخی فقهاء آن را جایز بدانند.

دلایل نادرست بودن گزینه‌های دیگر

- **گزینه (۱) یحرم مطلقاً:** این گزینه بیان می‌کند که فروش سلاح به دشمنان دین به طور مطلق حرام است، که با واقعیت همواره مطابق نیست. در شرایطی که جنگ یا آمادگی برای جنگ وجود نداشته باشد، ممکن است فروش سلاح به دشمنان دین با هدف مذاکره یا تبادل کالا مجاز باشد.
- **گزینه (۲) یحرم بیعه من الکافر:** این گزینه بیان می‌کند که فروش به هر کفری حرام است که با واقعیت همواره مطابق نیست. در برخی موارد، معامله با کافران در شرایط خاص و با رعایت برخی ضوابط مجاز است.
- **گزینه (۴) یحرم اذا كان المشتري كافراً و كان البیع فی حال الحرب أو التهیؤ له:** این گزینه بیان می‌کند که فروش سلاح به کافر در زمان جنگ یا آمادگی برای جنگ حرام است. در حالی که حکم اصلی بر فروش سلاح به دشمنان دین در این شرایط متمرکز است و کافر بودن خریدار لزوماً به معنای دشمن بودن نیست.

نکات کلیدی و اطلاعات تکمیلی فوق تخصصی فقهی

- **مفاهیم مرتبط:** برای درک بهتر این مسئله، مفاهیمی مانند "دشمن دین"، "حرب"، "تهیؤ للحرب"، "مصلحت مسلمانان" و "کمک به دشمن" باید به خوبی شناخته شوند.
- **احکام مرتبط:** این حکم با احکامی مانند "حکم معامله با کافر"، "حکم کمک به دشمن" و "حکم خیانت" ارتباط مستقیم دارد.
- **استثنائات:** همانطور که گفته شد، در برخی موارد خاص و استثنایی، فقهاء ممکن است نظر به شرایط و اوضاع و احوال، احکامی متفاوت بیان کنند.

نتیجه‌گیری:

حکم فروش سلاح به دشمنان دین در شرایط جنگ یا آمادگی برای جنگ، حرام است. این حکم بر اساس مصلحت مسلمانان و جلوگیری از تقویت دشمنان دین استوار شده است. با این حال، در برخی موارد خاص و استثنایی، فقهاء ممکن است نظر به شرایط و اوضاع و احوال، احکامی متفاوت بیان کنند.

۶. گزینه (۱)

پاسخ کامل و جامع به گزینه صحیح

عبارت "الدرهم والدنانیر یتعینان بالتعین عندنا فی الصرف و غیره" به این معناست که درهم و دینار در معاملات ما (اعم از صرافی و سایر معاملات) باید مشخص و معین باشند. این عبارت دلالت بر این دارد که:

- **ضرورت تعیین در معاملات:** در معاملات مالی، به ویژه در مورد پول رایج آن زمان مانند درهم و دینار، مشخص بودن و معین بودن کالای معامله شرط صحت معامله است.
- **منع کلیات در معاملات:** فروش کلیات و مبهمات در معاملات مالی جایز نیست و باید مشخص شود که چه مقدار درهم یا دینار مورد معامله قرار می‌گیرد.
- **اهمیت تعیین در پول:** به دلیل اینکه پول وسیله مبادله است و باید ارزش مشخصی داشته باشد، تعیین آن در معاملات از اهمیت بالایی برخوردار است.

دلیل انتخاب گزینه صحیح

- **تعیین در بیع:** این عبارت به صراحت بیان می‌کند که درهم و دینار باید معین باشند. این به معنای آن است که بیع بر درهم و دینار معین جایز است و فروش کلیاتی مانند "صد درهم" بدون مشخص کردن کدام صد درهم، صحیح نیست.
- **منع کلیات:** این عبارت با اصل منع کلیات در معاملات مطابقت دارد. زیرا فروش کلیات، منجر به اختلاف و نزاع بین طرفین معامله می‌شود.



نقد و بررسی گزینه صحیح

با توجه به دلایل ذکر شده، گزینه ۱ به عنوان پاسخ صحیح، بیانگر قاعده کلی و اساسی در فقه معاملات است. اما باید توجه داشت که در برخی موارد خاص و استثنایی، فقهاء ممکن است نظر به شرایط و اوضاع و احوال، احکامی متفاوت بیان کنند.

دلایل نادرست بودن گزینه‌های دیگر

- **گزینه ۲) جواز تعیین مصداق درهم و دینار کلی توسط بایع:** این گزینه بیان می‌کند که فروشنده می‌تواند به صورت کلی درهم یا دینار را تعیین کند که با اصل تعیین در معاملات در تضاد است.
 - **گزینه ۳) وجوب اخذ درهم و دیناری که به عنوان مصداق ثمن یا مثنی می‌شود:** این گزینه بیان می‌کند که خریدار باید درهم یا دیناری را که به عنوان ثمن یا مثنی کلی تعیین شده است، بپذیرد که این نیز با اصل تعیین در معاملات در تضاد است.
 - **گزینه ۴) جواز تعیین مصداق درهم و دینار کلی فروخته شده توسط مشتری:** این گزینه بیان می‌کند که خریدار می‌تواند به صورت کلی درهم یا دینار فروخته شده را تعیین کند که این نیز با اصل تعیین در معاملات در تضاد است.
- نکات کلیدی و اطلاعات تکمیلی فوق تخصصی فقهی**
- **مفاهیم مرتبط:** برای درک بهتر این مسئله، مفاهیمی مانند "تعیین"، "کلیات"، "مبهمات"، "بیع"، "ثمن" و "مثنی" باید به خوبی شناخته شوند.
 - **احکام مرتبط:** این حکم با احکامی مانند "حکم بیع کلیات"، "حکم بیع مبهمات" و "شرایط صحت بیع" ارتباط مستقیم دارد.
 - **استثنائات:** در برخی موارد خاص و استثنایی، فقهاء ممکن است نظر به شرایط و اوضاع و احوال، احکامی متفاوت بیان کنند.

نتیجه‌گیری:

تعیین درهم و دینار در معاملات، شرط صحت بیع است و فروش کلیات و مبهمات جایز نیست. این قاعده، به منظور جلوگیری از اختلاف و نزاع بین طرفین معامله و ایجاد اطمینان در معاملات وضع شده است.

گزینه ۴) .۷

دلیل انتخاب گزینه ۴:

در فقه اسلامی، اصل بر براءت است و هرگاه در معامله‌ای اختلاف رخ دهد، بار اثبات بر مدعی است. در مورد اختلاف در مقدار ثمن، خریدار مدعی است که مبلغ کمتری پرداخت کرده است. از آنجا که اصل بر عدم ضمان خریدار است، لذا برای اثبات ادعای خود باید قسم بخورد. این قاعده به این دلیل است که اگر خریدار قسم نخورد، به معنای پذیرش ادعای فروشنده مبنی بر دریافت تمام مبلغ خواهد بود.

تفسیر بیشتر:

- **اصل براءت:** این اصل به معنای آن است که تا زمانی که خلاف آن ثابت نشود، افراد بر فرض براءت قرار دارند. در اینجا، خریدار تا زمانی که قسم نخورد، فرض بر این است که ادعای فروشنده مبنی بر دریافت تمام مبلغ صحیح است.
- **بار اثبات:** بار اثبات ادعا همیشه بر عهده مدعی است. در این مورد، خریدار مدعی است که مبلغ کمتری پرداخت کرده است، بنابراین او باید ادعای خود را با قسم اثبات کند.
- **عدم ضمان خریدار:** اصل بر این است که خریدار ضامن کالایی است که تحویل گرفته است. اما در مورد اختلاف در مقدار ثمن، اصل بر عدم ضمان خریدار است، مگر اینکه فروشنده بتواند ادعای خود را با دلیل یا شاهد اثبات کند.

نقد و بررسی گزینه صحیح

این قاعده فقهی، یک قاعده کلی است و ممکن است در موارد خاص و استثنایی، فقهاء نظر به شرایط و اوضاع و احوال، احکامی متفاوت بیان کنند. برای مثال، اگر شواهدی مبنی بر دروغگویی خریدار وجود داشته باشد، قاضی ممکن است حکم به نفع فروشنده صادر کند.

دلایل نادرست بودن گزینه‌های دیگر

- **گزینه ۱) حلف مشتری لو بقیة العین:** اگر کالا باقی مانده باشد، دلیل بر کمتر پرداخت کردن خریدار نیست. ممکن است خریدار تمام مبلغ را پرداخت کرده باشد اما کالا را به دلایل دیگری پس داده باشد.



- گزینه ۲) **حلف البائع لأصالة عدم البيع بالأقل**: اصل بر این است که فروشنده تمام مبلغ را دریافت کرده است، بنابراین نیازی به قسم خوردن او نیست.
- گزینه ۳) **حلف المشتري لو تلفت العين**: اگر کالا تلف شده باشد، دیگر موضوع اختلاف در مقدار ثمن مطرح نیست.
- نکات کلیدی و اطلاعات تکمیلی فوق تخصصی فقهی
- قواعد دلالت: این قاعده بر اساس قواعد دلالت و استنباط احکام از ادله شرعی استوار است.
- مصلحت: این قاعده در جهت حفظ حقوق طرفین معامله و جلوگیری از اختلافات است.
- استثنائات: همانطور که گفته شد، در برخی موارد خاص و استثنایی، فقهاء ممکن است نظر به شرایط و اوضاع و احوال، احکامی متفاوت بیان کنند.
- نتیجه‌گیری:

در صورتی که خریدار و فروشنده در مقدار ثمن اختلاف کنند، طبق قاعده اولیه، خریدار باید قسم بخورد که کمتر از مقدار ادعایی فروشنده به او پرداخت کرده است. این قاعده بر اساس اصل براءت و بار اثبات بر مدعی استوار شده است.

گزینه ۳) .۸

دلیل انتخاب گزینه ۳:

- **تضاد اجاره با ماهیت وقف**: وقف به معنای تخصیص دائمی مالی برای امور خیر است. اجاره اموال موقوفه به معنای استفاده موقت از این اموال است که در ظاهر با ماهیت دائمی وقف در تضاد است.
- **موقوف علیه به عنوان موجر**: اگر موقوف علیه خود، مال موقوفه را اجاره دهد، در واقع به نوعی در مال موقوفه تصرف کرده و از آن بهره‌برداری شخصی می‌کند که با روح وقف سازگار نیست.
- **فوت موقوف علیه قبل از انقضای مدت**: فوت موقوف علیه قبل از پایان مدت اجاره، نشان‌دهنده این است که موقوف علیه قصد دائمی برای استفاده از مال موقوفه نداشته و تنها به دنبال بهره‌برداری موقت از آن بوده است.
- تفسیر بیشتر:

در این حالت، اجاره اموال موقوفه به نوعی سوءاستفاده از مال موقوفه تلقی می‌شود و به همین دلیل باطل است. زیرا موقوف علیه موظف است از مال موقوفه به نحو احسن و در جهت نیت واقف استفاده کند و نه اینکه آن را اجاره دهد و از آن بهره‌برداری شخصی کند.

نقد و بررسی گزینه صحیح

این قاعده فقهی، یک قاعده کلی است و ممکن است در موارد خاص و استثنایی، فقهاء نظر به شرایط و اوضاع و احوال، احکامی متفاوت بیان کنند. برای مثال، اگر موقوف علیه با اجازه ناظر شرع و برای مصالح موقوفه، مال موقوفه را اجاره دهد، ممکن است این اجاره صحیح تلقی شود.

دلایل نادرست بودن گزینه‌های دیگر

- گزینه ۱) **مطلقاً لتعلق حق الموقوف علیه بها**: این گزینه بیان می‌کند که اجاره اموال موقوفه به طور مطلق باطل است، که با واقعیت همواره مطابق نیست. در برخی موارد خاص، ممکن است اجاره اموال موقوفه با اجازه ناظر شرع و برای مصالح موقوفه صحیح باشد.
- گزینه ۲) **لو كان الموجر الناظر ثم مات قبل انقضاء المدة**: اگر ناظر شرع موجر باشد و قبل از پایان مدت اجاره فوت کند، لزوماً اجاره باطل نمی‌شود. مگر اینکه در شرایط وقف قید شده باشد که اجاره تنها با اجازه ناظر شرع خاص امکان‌پذیر است.
- گزینه ۴) **لو كان الموجر الناظر ثم مات قبل انقضاء المدة أركان الموجر الموقوف علیه**: این گزینه معنای مشخصی ندارد و ارتباطی با موضوع سوال ندارد.

نکات کلیدی و اطلاعات تکمیلی فوق تخصصی فقهی

- مفاهیم مرتبط: برای درک بهتر این مسئله، مفاهیمی مانند "وقف"، "موقوف علیه"، "ناظر شرع"، "اجاره" و "مصلحت موقوفه" باید به خوبی شناخته شوند.
- احکام مرتبط: این حکم با احکام مربوط به وقف، اجاره و حقوق موقوف علیه ارتباط مستقیم دارد.